

سینما چطور می تواند در آموزش و پرورش کودکان به کار آید؟

# آموزگاران بزرگ معرفت

## شناخت جهان با سینما

تصاویر متحرک، قبل از هر چیز، آموزگاران بزرگ معرفت هستند. هر وجهی از این جهان گسترده را می توان به تخیل جوانان نزدیک ساخت. آموزگاری شکیباتر، مهربان تر و اقناع گر تر نمی توان یافت.

هر چه را کودک ممکن است نتواند درباره نوع انسان، تاریخ و جغرافی، جانورشناسی و گیاهشناسی در کلاس درس بیاموزد، می توان به درسی شگفت آور برای چشم تبدیل کرد. و این درس، در شکل تصویر متحرک خود، بیش از هر توصیف شفاهی یا هر نقاشی ساده رنگی بر ذهن جوان تأثیر می گذارد.

بسیاری از شرکتهای تصویر متحرک در این حوزههای آموزشی متخصص شدهاند و تصاویر زیبا و آموزنده فراوانی را به بازار عرضه کردهاند که هر پسر و دختر هوشمندی از آنها لذت می برد. این تصاویر کودک را بسیار فراتر از افق کلاس درس معمولی می برد.

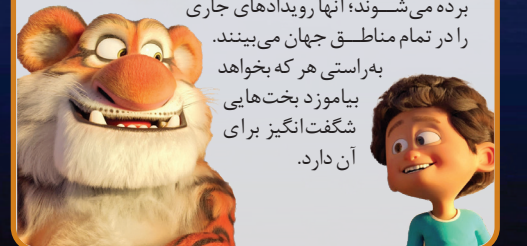
به کل تحول نژاد بشری، از پست ترین شکل زندگی وحشیان تا شکل های هزار لایه تمدن نوین، در سراسر جهان آدر فیلم ها زندگی بخشیده می شود. کودک لایه های متعدد شیوه های بشری، آداب و رسوم و زندگی بیگانگان، شکل های هنر و معماری و کارهای فنی در سرزمین های دور دست، مناظر جذاب دور و نزدیک را چونان پس زمینه ای برای مردم دیگر می بیند.

رویدادهای بزرگ، که نقاط عطف جدیدی در تاریخ بوده اند، در آمیتاز می شنوند. یونان، روم، دوران قرون میانه و شکوه سالیان اخیر، در صحنه های جذابی از گذشته برای کودک پدیدار می شوند.

کاشفان و ماجراجویان او را به دور ترین گوشه های زمین می برند، طبیعت شناسان او را با عجیب ترین و نادر ترین گونه های گیاهی و جانوری مواجه می کنند و شگفتی های اعماق دریا و اسرار جنگل ها بر او آشکار می شود.

آری، دوربین او را به دیدن آن چیزهایی می برد که هیچ چشم بشری نمی تواند در واقعیت ببیند. دوربین او را به دیدن رشد گل ها و جانوران می برد. ظرف چند ثانیه از کیده رشد می کند و شکوفه می دهد و گل هایش باز می شود یا گرم صدا پا روی شاخه ها می خزد و پبله اش را می تند و چونان پروانه ای از آن بیرون می آید. در فیلم رویدادهایی در کنار هم ثبت می شوند که در طبیعت هفته ها و ماه ها به طول می انجامند. اما تصاویر متحرک آموزشی راه های دیگری را هم به سوی معرفت مفید می گشایند. کودکان ممکن است بیاموزند چگونه صنایع و مؤسسات اطرافشان را دریابند. آنها به کارخانه ها و کارگاه ها، به مزارع و مراعات و معادن، به مراکز تجارت و زندگی اجتماعی، دادگاه ها و بیمارستان ها و مجالس قانونگذاری برده می شوند؛ آنها رویدادهای جاری

را در تمام مناطق جهان می بینند. به راستی هر که بخواهد بیاموزد بخت هایی شگفت انگیز برای آن دارد.



هوگو مانستربرگ، روانشناس آلمانی - آمریکایی و یکی از نخستین نظر به پردازان سینما، در مقاله ای با عنوان «نهاد کودکی در فیلم ها» در سال ۱۹۱۷ نکات مهمی درباره اثرات سینما بر کودکان و وجه آموزشی آن مطرح کرد. بخشی از این مقاله را که به جنبه آموزشی سینما مربوط است و با گذشت بیش از ۱۰۰ سال هنوز می توان

به آن استناد کرد، از کتاب «فوتوبلی، پژوهشی روان شناختی و زیبایی شناختی» با ترجمه احمد رضا معتمدی که به تازگی از سوی نشر هرمس منتشر شده، در اینجا آورده ایم. فقط این نکته را متذکر شویم که برای سهولت در مطالعه متن، میان تیتراژی را که در متن اصلی نبوده اینجا اضافه کرده ایم.

## آموزش اخلاقی مهم تر از آموزش فکری



اگر می خواستیم فقط به فیلم های موسم به فیلم های آموزشی به عنوان منابع معرفت ببیندیشیم، این فیلم ها یک طرفه می بودند. تردیدی نیست که بسیاری از پسران و دختران این وسایل آموزشی صریح را به طور غریزی دوست ندارند.

وقتی آیه تماشای فیلم می روند که لذت ببرند، نمی خواهند احساس کنند که کتاب های درسی تصویری به آنها تحمیل شده اند. مدیران سالن های نمایش این نکته را دریافته اند و نتیجه آن است که فیلم هایی که صرفاً برای آموزش ساخته شده اند، آن قدر که سزاوارند عرضه نمی شوند. اما آیا این بدان معنی است که کودکان از هر فرصتی برای به دست آوردن اطلاعات جدید از نمایش های فیلم محروم شده اند؟

یقیناً خیر. هر فوتوبلی خوب و جالبی، هر قدر هم که از هدف مستقیم آموزگاران دور باشد، ممکن است مطالب زیادی را که شاید نتوان از طرق دیگر به آسانی یاد گرفت، به ذهن های جوان آموزش دهد. در آنجا کودک به بسیاری از انواع جدید جامعه بشری می نگرد و دالما فاق خود را گسترده می سازد. حتی در مورد بزرگسالان نیز این نکته درست است که فوتوبلی های مهم تر به آنها بخت بزرگی می دهند که جنبه های جدید جامعه را ببینند؛ آنها می توانند

بیش از آنچه احتمالاً می توان با تماس عملی دریافت، تصویری از حیات اجتماعی در محله های کثیف یاد در برخی صنایع کسب کنند. این نکته در مورد پسران و دختران از این هم درست تر است. کودک شهرنشین می بیند که روستاییان چگونه زندگی می کنند و کودک روستایی تصویری از زندگی شهری کسب می کند. آنها مناظر و زندگی سرزمین های بیگانه و بالاتر از همه، درونی ترین و وجه پیشه ها و حرفه ها را می بینند. هر پس زمینه ای، هر امر داخلی می تواند به درسی واقع گرانه تبدیل شود. کودک به تدریج انرژی هایی را که در جامعه در کار است، می فهمد. برای گشودن چنین

منظر های گوناگونی به زندگی ای که نوجوانان به آن وارد خواهند شد، سفرهای زیادی در کشور و به خانه ها و کارگاه های مردم لازم است.

اما ذهن جوان باید نکاتی بسیار بیش از حقایق بیاموزد. هیچ درسی بیش از هیجان سالم و احساس و عاطفه ناب مورد نیاز نیست.

آموزش اخلاقی باز هم مهم تر از آموزش فکری است؛ در آن ساعات های پرهیجان در برابر پرده به چه الهام ها و چه تهذیب قلبی ای می توان دست یافت! می توان به جاه طلبی شریف برای رسیدن به عالی ترین کارها، همدلی با آنان که رنج می برند، نفرت از ناپاکی و تحقیر نادرستی رسید؛ می توان شعله میهن پرستی آگاهانه را برافروخت؛ در سزنده ترین سال های جوانی، می توان اشتیاق برای هر چیز بزرگ و سازنده را در اذهان ایجاد کرد.

اما تأثیر عاطفی فوتوبلی که بسیار مستقیم و از این رو قوی تر تأثیر است، تأثیر هنری است. هر فوتوبلی باید پیام های زیبایی واقعی، زیبایی طرح به مثابه هنر ادبی، زیبایی سازی عالی به مثابه هنر نمایشی و زیبایی تصاویر را به مثابه هنری ظریف منتقل کند.

## ساخت و نمایش فیلم های مخصوص کودکان

جوانان کشور به هیچ چیز بیش از هماهنگی درونی با آرمان های زیبایی نیاز ندارند. حیاتی که آنها را احاطه کرده سرشار است از مسائل نامطبوع و تمایلات عملی؛ امور بسیاری که با خودخواهی تجاری صرف و ستیزهای ناپسند کنترل می شود. ما به روحیه هماهنگی و التفات بیشتر به آرمان ها نیاز داریم. ما نیاز داریم که آموزه های زیبایی در همان اوان در هر قلبی کاشته شوند.

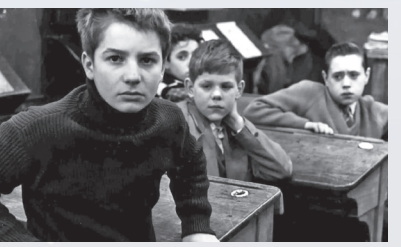
کودکان اندکی بخت آن را دارند که موسیقی خوب گوش کنند و نقاشی های زیبا ببینند و در اجراهای تئاتری هنرمندانه حضور بیابند. فوتوبلی تنها هنری است که امکانات هنری زیادی دارد و واقعاً در دسترس میلیون ها نفر در دوران مدرسه است. آیا کشور حق دارد این فرصت بزرگ را

مغفول بگذارد؟  
خیر! ما نمی توانیم و نباید جوانان را از این منابع معرفت گسترده، از تفای اخلاقی و زیبایی الهام بخش دور نگه داریم و با این همه، نباید برای لحظه ای تنظیم شود.

همه آن خطرات و مخاطراتی را که شناسایی کرده ایم فراموش کنیم. از این رو، وظیفه ما روشن است: ما باید مراقب باشیم که جنبه های خوب فوتوبلی ها کاملاً برای رشد پسران و دختران مان مورد استفاده قرار گیرد و حس سلیم جامعه و جوه زیانبار آنها را به شدت سرکوب کند. شاید گام تعیین کننده در خواست آکیدی باشد مبنی بر اینکه در شهرهای بزرگ سالن های کینما توگرافیک خاصی برای جوانان در نظر گرفته شود و در شهرهای کوچک نمایش های خاص کودکان بخشی همیشگی از برنامه باشد.

کودکان فقط می توانند از آن فوتوبلی ها و تصاویری سود ببرند که از آنچه بزرگسالان انتظار دارند متفاوت باشد. کافی نیست که با اعلام اینکه پسران و دختران می توانستند با ورودیه های ارزان به سالن وارد شوند، نمایش ها را برای کودکان جدا کنیم. مسئله اصلی آن است که برنامه به دقت براساس نیازهای کودک تنظیم شود.

## همکاری والدین و مربیان باسینماگران



امروزه ارزانی و فقدان اصالت سناریوها شر اصلی در کل صنعت تصویر متحرک است. برای تولیدات پرزرق و برق با صحنه های پر هزینه و هنر پیشه های مرد و زنی که دستمزد کلان می گیرند، میلیون ها دلار صرف می شود، در حالی که این همه بر سناریوهایی بنا می شود که استعداد های درجه سه می نویسند. آن هم فقط به این دلیل که برای سناریوها دستمزدی پرداخته نمی شود که نویسندگان مرتبه اول را از نوشتن داستان و نوول و نمایش که پر درآمدتر است، دور سازد. ابتذال حاصل در سناریوها سطح هنر فیلم را برای بزرگسالان به طریقی که اغلب تحمل ناپذیر است پایین می آورد. اما کودکان از آن شدیدتر آسیب می بینند. فقط بهترین استعدادها برای نوشتن سناریوهایی کافی هستند که جوانان کشور را پرورش می دهند. به محض آنکه شرکت های تولید کننده دریابند که والدین و مربیان این نیاز را

احساس می کنند و می دانند چه می خواهند، خود را با درخواست جدید جامعه هماهنگ خواهند کرد. این کار را می توان بسیار آسان انجام داد؛ تمام آنچه مورد نیاز است کاهش هزینه های گرافیک برای صحنه و بازی نمایش و صرف سرمایه ای که به این ترتیب پس انداز شده، برای نوشتن سناریوهایی است که به راستی ارزشمند است.